

به نام خدا

مقدمه

از بین تمام زبان هایی که تالکین اختراع کرده است، زبان الفی رایج ترین و البته کامل ترین آن هاست. خود این زبان نیز به گویش های مختلفی صحبت می شود که از جمله مشهور ترین آن ها می توان به کوئتیا و سینداری اشاره کرد. به آن هایی که قصد فرا گرفتن این زبان هستند گویش کوئتیا را پیشنهاد می کنم زیرا آسان تر و نسبت به سینداری قابل فهم تر و نزدیک تر به هجاها زبان فارسی است.

کوئتیا زبانی است که توسط الف های برین و الف های والینور صحبت می شد. به دلیل این که تکلم به این گویش به دلایلی در سرزمین میانه ممنوع شد، این گویش از رونق افتاد اما پس از دوران اول دوباره توسط الف ها احیاء و به کار گرفته شد. کما این که تمام دیالوگ های الفی در فیلم ارباب حلقه ها به این گویش است. پس در این مقالات در مورد گویش کوئتیا صحبت خواهد شد. اما سینداری گویشی است که از تغییراتی در ساختار کلمات کوئتیا به وجود آمد و توسط الف های سیندار(تحت سلطنت تین گول در دوریات) استفاده می شد که به دلیل نقص هایی از جمله سختی در گفتار از رونق افتاد با این حال کسانی مانند الوند هنوز آن را به یاد دارند.

درس اول

جمع بستن و اسم جمع

کتاب ، ساختمان ، قراول ، سوار و... این ها اسم هستند. در ادبیات فارسی برای نامیدن چند شیء مشابه از نشانه جمع «ها» در پایان اسم استفاده می کنیم (صرف نظر از دیگر اشکال جمع در فارسی) حالا نشانه جمع را در زبان انگلیسی بررسی می کنیم.

...spider, monkey, spy, motto, این ها اسم هستند. در ادبیات انگلیسی با افزودن s به پایان اسم آن را جمع می بندیم. به این شکل : spiders, monkeys, spies, mottos, ...
در مثال های بالا استثنائاتی یافت شد که ساختار پایانی کلمه را تغییر داد. ابتدا باید نکته ای گفته شود.

اندینگ (-ending)

حرف یا حروفی هستند که با اضافه شدن به پایان کلمه تغییری در معنا یا کاربرد آن ایجاد می کنند. مانند وند های صرفی و اشتقاقی در زبان فارسی. در زبان انگلیسی تعداد معدود و محدودی از این اندینگ ها وجود دارند در حالی که در زبان کوئینیا اغلب تغییرات در ساختار کلمات حتی زمان های مختلف افعال ، افعال کمکی ، ضمائر و... با اضافه شدن اندینگ هایی صورت می پذیرد.. مثلا s- در انگلیسی نوعی اندینگ است.

مباحث بالا فقط جهت آشنایی با گرامری است که در این جلسه مورد بحث قرار خواهد گرفت. فقط گزیده ای از این گرامر «نه کامل» در زبان انگلیسی گفته شد. حالا زبان کوئینیا را کامل بررسی خواهیم کرد. به دلیل آشنا نبودن برخی از شما(و البته خودم) با الفبای کوئینیا از این به بعد مانند خود تالکین با الفبای انگلیسی ، کوئینیا را خواهیم نوشت.

Aana, Elda, Ainu, Vala

این ها اسم هستند. با جمع بستن برخی از آن ها آشنا هستیم.

Ainu : آینو (اولین مخلوقات ایلوواتار که دارای درک و فهم بودند)

Ainur : آینو ها (جمع Ainu)

Elda : یک الف

Eldar : الف ها

Vala و valar به همین ترتیب.

پس تا اینجا اولین قانون جمع بستن در زبان کوئینیا را فهمیدیم. کلمات مختوم به a , u , o , i , ië با اضافه شدن حرف r به آخر آن ها جمه بسته می شوند.

Valië : والای مونث

Valiër : والاهای مونث

می دانیم که گروهی از الف ها به کوتندی مشهورند. این کلمه جمع است در حالی که مفرد آن طبق نامه های تالکین کلمه Quendë است. چه طور شد؟ کلمه به ë ختم می شود. آخرین حرف صداداری که در قاعده قبلی (جمع بستن با ۲) وجود نداشت. از دیگر مثال ها و نامه های تالکین می توان این استثناء را فهمید که:

کلمات مختوم به ë هنگام جمع بستن ، ë آن ها حذف شده و به جای آن i قرار میگیرد. (توجه شود که این قاعده غیر از کلمات مختوم به ië است. چون ië خود یک مصوت است.)

Lassë: برگ

Lassi : برگ ها

پس تکلیف اسم هایی که به حروف صدادار ختم می شوند معلوم شد. اما دیگر اسم ها. برای آن ها جمع بستن بسیار آسان است.

Elen: ستاره

Eleni: ستارگان

Atan: انسان

Atani: انسان ها

پس یک قاعده ساده:

اسم هایی که به حروف صدادار مختوم نیستند به اضافه شدن i به آخر آن ها ، جمع بسته می شوند. همه ما با اسم silmaril آشنا هستیم. اما چرا جمع آن می شود silmarilli ؟ یا آخر آن به مهنای تعداد محدودی است. پس silmarilli جمع silmaril و به معنای تعدادی جواهر است.

نوعی دیگر از جمع بستن نیز این گونه است.

Elda: الف

Eldalië: گروه الف ها

پس lië نیز به معنای قوم یا گروهی از چیزی است که اگر به اسمی اضافه شود حالت اسم جمع فارسی پیدا کرده و به اسم مذکور معنای قوم، گروه یا دسته ای از آن می دهد.

خلاصه:

کلمات مختوم به ë , a , u , o , i , ä با اضافه شدن حرف ۲ به آخر آن ها جمه بسته می شوند. کلمات مختوم به ë (توجه شود! غیر از ië) هنگام جمع بستن ، ë آن ها حذف شده و به جای آن i قرار میگیرد. اسم هایی که به حروف صدادار مختوم نیستند به اضافه شدن i به آخر آن ها ، جمع بسته می شوند.

li و liä از اسم های جمع هستند. به معنای مقدار و تعداد و قوم و گروه البته اسامی جمع بسیاری نیز هستند که در این جا مورد بحث نیست و طی دروس آینده به آن ها خواهیم پرداخت.

کلمات جدید:

Mine ”یک (عدد ترتیبی)“

Anar ”خورشید“

Isil ”ماه“

Ar و (And) ”

Elda ”الف“

Lië ”گروه ، قوم ، مردم“

Vendë ”دوشیزه“

Rocco ”اسب“

Aran ”پادشاه“

Tári ”ملکه“

Tasar ”درخت بید“

Nu ”زیر، ذیل (under) تحت تسلط“

Hafling ”هابیت“

درس دوم

معرفه و نکره

اسامی دو نوعند: 1- معرفه 2- نکره

برای معرفه کردن اسامی نکره در فارسی با افزودن ضمیر یا معرفی کردن آن یا ... ناشناس را در فارسی شناس می کنند.

در کوئتیا مانند انگلیسی با افزودن یک کلمه (در انگلیسی با حرف تعریف the) یا حرف خاص آن را برای مخاطب شناس آشنا قرار می دهند.

i یا ای کوتاه/i/

با افزودن این حرف ما قبل اسامی (توجه شود که این اندینگ نیست. اندینگ i نشانه جمع است.) آن ها را برای مخاطب شناس قرار داده اید. اما در مواردی برای شناس قرار دادن اسم لازم به افزودن i نیست و آن اسامی بدیهی و شناخته شده برای همه است. مثلا مظاهر طبیعت. خورشید. ماه. ستارگان و...

ما هیچوقت همچنین چیزی نداریم i. anor. بلکه بدون i به کار می رود در حالی که شناس است. Anor. lthil و...

درس سوم

مثنی

در زبان الفی نیز مانند زبان عربی قواعدی برای اجسام دوگانه و یا به طور کلی خطاب به دو جسم وجود دارد. با این تفاوت که این قواعد برای زوج اجسام یا اجسامی که رابطه دوگانه طبیعی با هم دارند مانند دو خواهر، دو چشم و یا دو لب با قواعد برای دو جسم که با هم رابطه ای ندارند فرق می کند. در مورد اولی: یعنی دو جسم که با هم رابطه خاصی دارند مانند بحث های قبلی با ending ها سروکار داریم

اولویت با اندینگ (-t) برای افزودن می باشد

به کلمات زیر توجه کنید

ciryat-cirya

اولی به معنای یک کشتی است. اما دومی به معنای دو کشتی است که ظاهرا با هم رابطه ای دارند. مثلا دو کشتی که متعلق به یک شرکت بوده و مبدا و مقصد یکسانی دارند.

نکته خیلی مهم این است که همه جا از اندینگ فوق استفاده می شود مگر در سه مورد زیر که استثنا میباشند و به جای -t در آنها از -u استفاده می شود:

- کلماتی که مختوم به t یا d میباشند

- کلماتی که به حرو صدادار مختومند (مشکل همیشگی)

- اجزای زوج بدن

چند مثال دیگر

henu-hen

اولی به معنای چشم و دومی به معنای دو چشم است

در اینجا از استثنا سومی استفاده شده است

andu-ando

معنای اولی دروازه است

و معنای دومی دو دروازه (که یک چارچوب دارند) میباشد. در اینجا از استثنا دومی یعنی حروف صدادار استفاده شده است

aiwēt-aiwë

اولی به معنای کبوتر و دومی به معنای زوج کبوتر است

خوب چرا u- نگرفت؟! باید بگوییم چون **ë** حرف صدادار نیست (نکته درس اول!)

حالا می ماند دو جسمی که با هم رابطه ندارند

این جا مانند اغلب زبان ها کفایت عدد شمارشی دو را بیندازیم پشت کلمه به همراه یک نشانه جمع!

مثلا در انگلیسی (در فارسی مصداق ندارد)

two trees - tree

کلمه دو (عدد شمارشی) در کوئینیا کلمه **atta** می باشد.

atta ciryar-ciryar مثلا

که اولی به معنای کشتی و دومی به معنای دو کشتی هست که به هم ربطی ندارند

دقت شود که طبق مباحث گذشته r اضافه شده به **ciryar** نشانه جمع است

خلاصه

در اجسام دو گانه یا دو جسمی که به یکدیگر مربوط است همواره از اندینگ -t استفاده میشود مگر در 3 استثنا

کلمات جدید

”دو“ atta

”چشم“hen (-hend)

”بازو – دست“ ranco

”دروازه“ ando

”کشتی“cirya

”کیوتر“ aiwë

”تالان (-talan)“ طبقه – کف ساختمان

”مرد – مذکر“ nér (-ner)

”زن – مونث“ nís (-nis)

”سنگ – کلوخ“ sar (-sard)

”درخت“ alda

”کوه“ oron (-oront)

درس پنجم

صفت

با توجه به این که این مبحث بسیار گسترده و سنگین است آن را به دو بخش تقسیم کرده ام:

بخش اول: صفت در جمله و ترکیب وصفی

بخش دوم: صفت مفرد و جمع

مقدمه

زبان های تالکین عموماً از لحاظ ساختمان و فرمت و نوع گرامر کاملاً یک زبان اروپایی است. (نامه 175 تالکین) در این بخش به وضوح به این مسئله بر خواهیم خورد....

صفت ها کلماتی هستند که برای شرح یا توصیف در جمله به کار می روند. برای مثال وقتی می گوئیم "الف ها زیبا هستند." "زیبا در این جا صفتی از الف ها را بیان می کنند. اما این مدل، یعنی صفت در جمله یک نوع از به کار بردن صفات می باشد. در این مدل صفت در گزاره به کار برده شده است. اما مدل دوم آن است که صفت و اسم مستقیم به هم ربط داده شوند. به این ترتیب یک "ترکیب وصفی" داریم. مثلاً "الف های زیبا" یا در ساختار انگلیسی "زیبا الف ها" "Beautiful elves".

بخش اول: صفت در جمله و ترکیب وصفی

طبق معمول برای صفت ساختن یک اسم از اندینگ ها یا همان وند های اشتقاقی در فارسی که ساخت کلمه را تغییر می دهد استفاده می شود. معمول ترین اندینگ برای ساخت صفت "a-" و "ë-" است. غیر از این دو به ندرت از "in-" هم استفاده میشود. برای رنگ ها که خود نوعی صفت هستند از اندینگ "ë-" استفاده میشود. همچنین در ساختار قدیمی تر "a-" کوتاه شده، "wa-,na-,da-,ya,-ima-" هستند.

برای مثال کلمه "Quenya" یک صفت است "ya". به کلمه "Quen" اضافه شده و معنای "الفی" و "کوئندی" به اسم می دهد. پس آموختیم که توسط اندینگ های فوق می توان اسم را به صفت تبدیل کرد. حالا به گرامر به کاربرد آن در ترکیب وصفی می پردازیم.

ترکیب وصفی در کوئینیا از ساختار انگلیسی پیروی میکند. یعنی اسم + صفت.

مثلا ترکیب فارسی "گشتی سفید" در انگلیسی "white ship" و در الفی "fána cirya" "

رنگ ها هم صفت هستند و همونطور که گفتم برای آنها اندینگ "ë-" استفاده میشود.

اما در قسمت هایی از نامه های تالکین ساختار فارسی ترکیب وصفی هم به کار برده شده. احتمال می رود که برای تاکید روی صفت، صفت پس از اسم قرار می گیرد.

مانند "Elendil voronda" که یعنی الندیل با ایمان یا ترجمه انگلیسیش "Elendil the faithful":

-اما به کار بردن صفت در گزاره

اینجا نباید مبحث افعال to be باز شود اما به ناچار به بیان مختصر از آن در کوئتیا می پردازیم در کوئتیا دو فعل در این بخش لازممان خواهد شد. "هست و هستند" "is/are". و در کوئتیا "ná /nár" که البته به ندرت "na/nar" هم دیده شده است.

دقت کنید که ná معنای مفرد دارد و برای جمع بستن آن با اضافه کردن اندینگ -r به آن معنای جمع "هستند" میدهد nár.

ما در فارسی برای به کار بردن صفات در جمله فعل آن را بعد از صفت که می شود آخر جمله استفاده می کنیم. و می دانیم که در انگلیسی قبل از صفت.

حالا به نظر شما کوئتیا از کدام قاعده پیروی میکند؟؟

از هر دو. اما شیوه معمول آن از ساختار انگلیسی پیروی می کند یعنی فعل بین اسم و صفتش.

و شیوه غیر معمول که در نثر های سنگین به کار برده می شود از ساختار فارسی استفاده می کند یعنی فعل بعد از صفت.

مثال برای ساختار انگلیسی (شیوه معمول)

I parma ná carnë که یعنی "کتاب قرمز است". دقت شود که کتاب با ا معرفه شده است

I neri nar hallë که یعنی مردها بلند قامت هستند

مثال برای ساختار فارسی (شیوه غیر معمول)

همچنین اگر شما جملات بالا را به شکل

I parma carnë ná

و

I neri hallë nar

به کار برید مشکلی در معنا ایجاد نمی کند و از لحاظ گرامر مانعی نیست.

حالا وقتش رسیده که یک نکته جالب را بگویم. در جملات بالا "ná /nár" می تواند حذف شود. بیایید این کار را بکنیم. parma carnë. مگر صفت الان بعد از اسم نیامده است؟ بالا گفتم که اگر صفت پس از اسم بیاید به نوعی تاکید روی صفت انجام داده ایم. پس حکمت این تاکید را یافتیم. تاکید است چون فشرده شده یک جمله استو جمله ای که صفت گزاره بوده. یعنی خبر اسم. پس در ترکیبی که صفت بعد از اسم بیاید این ترکیب در حقیقت فشرده شده جمله ای ناگذر می باشد.

بخش دوم: صفت مفرد و جمع

این سوال پیش می آید که آیا وقتی موصوف ما جمع است نباید صفت را جمع ببندیم؟ این ساختار در فارسی و انگلیسی غلط است و نباید به کار برده شود. اما در کوئتیا جزو قوانین مسلم ساختاری است که باید رعایت شود. در کوئتیا، چه صفت پس از اسم بیاید، چه قبل از اسم و چه بافاصله بیاید و چه بی فاصله، چه در جمله باشد یا در ترکیب، صفت باید در جمع و مفرد بودن از موصوف پیروی کند. خوشبختانه در این مورد دیگر بحث مثنی مطرح نیست و اگر موصوف مثنی هم بود صفتش جمع می آید. خلاصه این که صفت هیچوقت مثنی نمی شود. دو حالت دارد جمع یا مفرد.

همانطور که به یاد دارید قوانین بر نحوه جمع بستن اسم ها صادق است. اما در جمع بستن صفت ها تفاوت هایی با جمع بستن اسم ها وجود دارد. اگر صفت به حروف بی صدا ختم شود همواره با گذاشتن اندینگ -i جمع بسته می شود. در این حالت کاملا با جمع بستن اسم ها مشابه است.

مثال:

firini neri

مردان مرده (ها)

firin به معنای "مرده" و ner به معنای "مرد" می باشد. همانطور که می بینید هر دو به حروف بی صدا ختم شده و هر دو با -i جمع بسته شده اند.

اما حروف صدادار.

همانطور که گفته شد اغلب صفات در کوئتیا به "a-" و "ë-" ختم میشوند. هنگام جمع بستن صفاتی که به -a ختم میشوند -a. آن حذف شده و به جای آن -ë قرار میگیرد. و در گویش قدیمی -a حذف شده و -ai قرار میگیرد. همچنین در صفاتی که به -ë ختم میشوند هنگام جمع بستن -ë آن حذف شده و به جای آن -i قرار میگیرد.

مثال:

quentë tengwi

نشانه های کامل (ها)

Quenta به معنای "پر، کامل" می باشد که طبق قوانین بالا جمع بسته شده است tengwi. هم جمع tengwë به معنای "نشانه،

علامت "می باشد".

luini tellumar

گنبد‌های آبی(ها)

luini جمع luinë می باشد که طبق قوانین بالا جمع بسته شده است tellumar جمع telluma به معنای "گنبد، طاق" می باشد.

اگر صفت به حرف صدادار ä ختم شده باشد هنگام جمع بستن حذف می شود و جای آن ië قرار میگیرد. و بقیه صفت ها که به حروف صداداری غیر از موارد بالا ختم می شوند قوانین جمع بستن اسم برای آن ها صادق است. یعنی اندینگ ۲- به آن اضافه می شود.

مثال:

laurië lassi

برگ های طلایی(ها)

laurië جمع laurëa به معنای "طلایی" است که طبق قوانین بالا جمع بسته شده است lassi. نیز جمع lass به معنای برگ است.

خلاصه

بیشتر صفات در زبان الفی به "a-" و "ë-" ختم می شوند.

شیوه رایج در به کار بردن صفت در ترکیب وصفی به این صورت است. اسم + صفت. اما اگر صفت + اسم دیدید هدف تاکید روی صفت(کوتاه شده جمله ناگذر) می باشد. اگر بخواهیم صفت را به عنوان گزاره به کار ببریم شیوه رایج صفت + فعل + اسم می باشد. و همچنین دیده شده که در گویش های مختلف از فعل + صفت + اسم استفاده می شود.

موصوف به تبع اسم خود به صورت جمع یا مفرد می آید. صفاتی که به a- ختم میشوند هنگام جمع بستن a- آن حذف شده و به جای آن ë- قرار میگیرد. و در گویش قدیمی a- حذف شده و ai- قرار میگیرد. همچنین در صفاتی که به ë- ختم میشوند هنگام جمع بستن ë- آن حذف شده و به جای آن i- قرار میگیرد. اگر صفت به حرف صدادار ä ختم شده باشد هنگام جمع بستن حذف می شود و جای آن ië قرار میگیرد. در بقیه موارد جمع صفت ها از قوانین جمع اسم پیروی میکنند

کلمات جدید

neldë “سه”

ná “هست”

nar “هستند”

vanya “زیبا”

alta “عظیم، بزرگ”

calima “روشن، درخشان”

taura “توانا”

saila “خردمند، عاقل”

úmëa “شر، بدی”

carnë “قرمز”

ninquë “سفید”

more “سیاه”

firin “مرده”

Mae govannen
My go-VAH-nen
خوش آمدید

Elen síla lumenn' omentielvo
Q, ELL-ehn SEE-lah LOO-men oh-men-tee-
el-voh [the tee-el is slurred together]
ستاره ای در ساعات دیدارمان می درخشد.

Im gelir ceni ad lín
Eem geh-leer keh-nee ahd leen
خوش حال هستم که دوباره شما را می بینم.

Le suilon
Lay swee-lonn
درود بر شما

Mára aurë
Q, Mah-rah ow-ray
سلام

Pedich Edhellen?
PEH-deekh eth-ell-ehn?
آیا الفی صحبت می کنید؟

Iston le?
EE-stohn lay?
آیا شما را می شناسم؟

Heniach nin?
Hen-ee-akh neen?
آیا منظورم را می فهمید؟

Man eneth lín?
Mahn eh-nehth leen?
نام شما چیست؟

O man dôr túliel le?
Oh mahn dore tool-ee-ell lay?
از کجا می آید؟

Man carel le?
Mahn kah-rell lay?
چه کار می کنید؟ (شغل)

Man anírach cerin an le?
Mahn ah-NEAR-ahkh care-een ahn lay?
برای شما چه کاری می توانم انجام دهم؟

Tiro!
TEAR-oh!
ببین!

Bado na Ennorath!
BAH-doh nah enn-ore-ahth
برو به سرزمین میانه!

Gwanno ereb nin!
GWAH-no air-ehb neen!
مرا تنها بگذار!

Daro i!
DAR-oh ee!
بی است!

Sedho!
SEH-tho!
ساکت!

Edro!
ED-ro!
باز کن!

Lasto!
LAHS-toe!
گوش کن!

Anno nin ---
Ahn-no neen ---
---را بده به من!

Ai!
Eye!
آه!

--- eneth nîn
--- eh-nehth neen
اسم من ---

Le melon
Lay mell-on
تورا دوست دارم!

Im ---
Eem ---
من --- هستم

Tancave
Q, tahn-KAH-vay
بله! (تاکید)

Estannen ---
Ehs-tahn-nehn ---
به من --- می گویند

Lau
Q, Lou [as in loud]
خیر!

Namárië
Nah-MAR-ee-ay
بدرود

Mae
My
بله! (خب!)

Navaer
Nah-VIRE
بدرود

Baw
Bow [rhymes with cow]
خیر! (اصرار به نه!)

Belain na le
Beh-LINE nah lay
والا رنگه دار شما

Law
Low [as in loud]
خیر! (نفسی حقیقت. تکذیب)

Calo anor na ven
KAH-loh AH-nore nah vehn
باشد که آفتاب بر مسیر شما بتابد

Aur Onnad Meren!
Our oh-nahd mare-ehn!
تولدت مبارک!

Garo arad vaer
GAH-roh ARE-ahd vire
روز خوبی داشته باشید

LotR's elvish notes (the books)

The Fellowship of the Ring

Frodo

Elen síla lumenn' omentielvo

ستاره ای در ساعات دیدارمان می درخشد

A star shines on the hour of our meeting

Glorfindel

Ai na vedui, Dúnadan! Mae govannen!

آه. سرانجام مرد غرب آمد. چه خوش رسیدی

Ah, it is at last the Man of the West! Well met!

Glorfindel

Noro lim, noro lim, Asfaloth!

بتاز. بتاز. آسفالوث!

Ride fast, ride fast, Asfaloth!

Gandalf

Naur an edraith ammen! Naur dan i ngaurhoth!

آتش برای حفظ ما وعلیه میزبان گرگ صفت ما [اینجا] وجود دارد.

Fire is for saving of us! Fire against the werewolf-host!

Aragorn or Arwen

A Elbereth Gilthoniel,
silivren penna miiriel
o menel aglar elenath!
Na-chaered palan-díriel
o galadhremmin ennorath,
Fanuilos, le linnathon
nef aear, sí nef aearon

ای البرت. ای کسی که به ستارگان روشنایی بخشید،
از تالو زلال آبخار با نور مثل گوهر
از بهشت آسمان، شکوه میزبان پرستاره
من از دور به سرزمین های دور دست نگریسته ام.
و اکنون به شما ای فانویلس
ای روح تابناک و ای همیشه سپید پوش
من در اینجا، دور از دریا خواهم سرود، دور تر از دریای فراخ.

**O Elbereth who lit the stars,
from glittering crystal slanting falls with light like jewels
from heaven on high the glory of the starry host.
To lands remote I have looked afar,
and now to thee, Fanuilos,
bright spirit clothed in ever-white,
I here will sing beyond the Sea,
beyond the wide and Sundering Sea.**

Inscription on the Gates of Moria

Ennyn Durin Aran Moria: pedo mellon a minno. Im Narvi hain echant: Celebrimbor o Eregion teithant i thiw hin.

در های دورین. فرمانروای موریای. سخن دوست بگو و وارد شو. من ناروی آن ها را ساختم.
کلبریمبور از هولین این نشانه ها را رسم کرد.

**The Doors of Durin, Lord of Moria: speak friend and enter. I, Narvi, made them:
Celebrimbor of Hollin drew these signs.**

Gandalf

Annon edhellen, edro hi ammen! Fennas nogothrim, lasto beth lammen!

در های الفی. برای ما گشوده شوید. ای دروازه های مردم دورف به کلمات زبان من گوش دهید.

Gate of the Elves, open now for us! Doorways of the Dwarf-folk listen to the word of my tongue!

Gandalf

Edro, edro!

بازشو! باز شو!

Open, open!

Haldir (or another of the Lothlorien Elves)

Daro!

ایست.

Halt!

Aragorn

Arwen vanimelda, namárië!

آرون زیبا! بدرود.

Fair Arwen, farewell!

Galadriel

**Ai! laurië lantar lassi súrinen,
yéni únótimë ve rámar aldaron!**

**Yéni ve lintë yuldar avánier
mi oromardi lisse-miruvóreva
Andúnë pella, Vardo tellumar
nu luini yassen tintilar i eleni
ómaryo airetári-lírinen.**

Sí man i yulma nin enquantuva?

**An sí Tintallë Varda Oiolossëo
ve fanyar máryat Elentári ortanë
ar ilyë tier undulávë lumbulë;
ar sindanóriello caita mornië
i falmalinnar imbë met, ar hísië
untúpa Calaciryó miri oialë.
Sí vanwa ná, Rómello vanwa, Valimar?**

**Namárië! Nai hiruvalyë Valimar.
Na elyë hiruva. Namárië!**

آه! برگ درختان همچون طلا در باد فرو می ریزد، سالیان دراز بی شمار چون بال و پر درختان.
سال های دراز چون جرعه های شیرین شراب عسل در تالارهای رفیع آن سوی غرب،
در زیر گنبدهای نیلی واردا گذشته است،
در زیر گنبدی که ستاره هایش با آهنگ صدای او، مقدس و با وقار می لرزند.
کیست که جام را از نو برایم پر کند؟
چرا که اکنون او، درخشان ترین، واردا، شهبانوی ستارگان از کوه همیشه سفید [تانیکوئتیل]
دستانش را مثل ابرها بالا برده است و همه جاده ها به ژرفی در سایه ها غرق شده اند
و بیرون از سرزمین خاکستری، تاریکی بر روی موج های کف آلود میان ما آرمیده است
و مه تا ابد تمام جواهرات کالاکیریا را می پوشاند.
اکنون گم گشته است، گم گشته است والیمار برای آنان که از شرق آمده اند.
بدرود! بادا که تو والیمار را بیابی! بادا که تو آن جا را بیابی!
بدرود!

**Ah! Like gold fall the leaves in the wind,
long years numberless as the wings of trees!
The years have passed like swift draughts
of the sweet mead in
lofty halls beyond the West,
beneath the Orange vaults of Varda
wherein the stars tremble
in the song of her voice, holy and queenly.**

Who now shall refill the cup for me?

**For now the Kindler, Varda, the Queen of the Stars, from Mount Everwhite
has uplifted her hands like clouds,
and all paths are drowned deep in shadow;
and out of a grey country darkness lies
on the foaming waves between us, and mist
covers the jewels of Calaciryá forever.
Now lost, lost to those from the East is Valimar!**

**Farewell! Maybe thou shalt find Valimar.
Maybe even thou shalt find it. Farewell!**

وَعَمْرُو

Namárië